

بمناسبت سی و پنجمین سال درگذشت حسن مقدم

از: دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی

« بر روی خوشش هر که نظر دوخته است »
« صد خانه بروشنی بیندوخته است »
« داغم ، مه من بدین جهان افروزی »
« در خانه ما چرا نیفروخته است ؟ »
« نیما - بوشیج »

حسن مقدم « علی نوروژ »

نویسنده: جعفر خان از فرنگ آمده

۱۲۷۷-۱۳۰۴ شمسی-۱۸۹۸-۱۹۲۵ میلادی

در گورستان کوچک «لهزن» (۱)، تنها يك مزار در جهت مخالف سایر قبرها بنظر میرسد که وقتی بان نزدیک می شویم ، چند کلمه فارسی بر سنگ آن می بینیم : مزار حسن مقدم «علی نوروژ» .
این هموطن غریب ما ، در زمان حیات خود ، در ایران کمتر در مجامع ادبی جهان بیشتر از آنچه که تصور شود شهرت و مقام داشت و نام او در اغلب نشرات و مجلات معروف اروپا مانند: «مرکور دو فرانس» (MERCURE DE FRANCE)، «مساژ دوریان» (MESSAGES D'ORIENT)، «کودولوریان» (ECHO DE L'ORIENT)، «اروپ» (EUROPE) در وولتیرر» (REVUE LITTERAIRE) و غیره، در ردیف بزرگان علم و ادب دنیای معاصرش مانند: فروید، زوایک، ما کسیم گورکی، سن کلر، آندره ژید و تاگور بچشم میخورد (۲).

۱- (Leysin) یکی از دهکده های خوش آب و هوای کشور سوئیس که بزرگترین آسایشگاههای مسلولین در آنجا واقع است .

۲ - کتاب : Liber Amicorum Romain Rolland
«دوستان رومن رولان» چاپ زوریخ ۱۹۲۶ .

در آن روزها که ستارهٔ پرفروغ اودر آسمان هنر و ادب میدرخشید ، از نویسندگان معاصر ما کسی باندازهٔ او شهرهٔ جهان نبود و تا آنجا که تحقیق شده ، معروفیت بزرگترین «مردان قلم» امروز ایران پیلای شهرت او در سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ نمیرسد .

داستان کوتاه (نول) ، مکالمه و مناظرهٔ نمایشی ، فضولی و مزاح ، نیشخند و انتقاد طنزآمیز ، تحقیق دربارهٔ فلکلور ایران ، روش جمع-آوری افسانه ها و حکم و امثال و اصطلاحات فارسی ، تتبعات ادبی ، تحقیقات تاریخی ، بیوگرافی و اسکچ نویسی ... رشته‌هایی بود که او برای نشان دادن هنر و استعداد ذاتی خود انتخاب کرد و در هر یک ، آثاری از خود باقی گذاشت .

وقتی اولین داستان کوتاه او در شوال ۱۳۳۵ هجری تحت عنوان « هندوانه » در استانبول نشر شد ، شیوهٔ نگارش ، روح فکاهی آن و شیرینی و پرمعنی بودن داستان بقدری در خوانندگان اثر کرد که علاقه‌مندان طی نامه های متعددی از او خواستند

که این سبک تازه و ابتکاری را ادامه داده و تکمیل کنند ، در نتیجه همین تشویق ها بود که بعد ها داستانهای : « نرگس » ، « شاهزاده خانم تاجی » و « زن حاجی آقا » و غیره را بوجود آورد .

برای جمع‌آوری و تحقیق دربارهٔ فلکلور ایران می‌نویسد : « ... سابقا ، علی‌الخصوص در شرق ، باین آثار عامیانه اهمیت نمی‌گذاشتند ، و چون قابل یادداشتشان نمیدانستند ، کسی ب فکر جمع‌آوری آن‌ها نمی‌افتاد ، و باین ترتیب عدهٔ زیادی از آنها بمرور ایام از میان رفته و از حیث تتبعات لسانی و تاریخی و اجتماعی و غیره ، این بی‌قیدی باعث نقصان بزرگی شده است .



سپتامبر ۱۹۲۴ - پاریس

.... تا بحال آنچه جستجو نمودم صورت جامعی که از آنها بچاپ رسیده باشد نیافته‌ام.

يك عده از آنها در كتب مختلف مانند «جامع التمثيل» دیده می‌شود. ولی متأسفانه این کتاب صورت علمی ندارد و امثال در آن جداگانه مرتب نشده است.

خیال جمع آوری این امثال در سنه ۱۳۴۰ بمرم افتاد و در عرض یکسال که در تهران بودم موفق به تشکیل صورت معتنابهی گردیدم. . . . قسمت عمده اش را از ذهن عموم مخصوصاً عوام شنیده و یادداشت کردم. پس از مدتی معلوم شد که آقای میرزا علی اکبرخان دهخدا قبل از من به همین خیال افتاده و مقداری امثال جمع کرده است. چون از ایشان سؤال کردم کتاب مفصلی بمن نشان دادند، محتوی چندین هزار مثل و نتیجه چندین سال زحمت، ولی ناتمام و بی ترتیب و دیگر مؤلف حوصله تعقیب آنرا نداشت. پس از این ملاحظه دیگر جرئت انتشار صورت مختصر تر خود را ننمودم. ولی امید داشتم که روزی بتوانم امثال خود را بصورت آقای دهخدا ملحق نموده با هم کتاب جامعی تشکیل داده چاپ کنیم. . . این است که مصمم شدم آنچه شخصا جمع آوری نموده‌ام در این مجله منتشر سازم تا بعد شاید باز بخیال اولی موفق شویم.»

حسن مقدم فرزند ارشد مرحوم محمد تقی احتساب‌الملک در سال ۱۲۷۷ شمسی برابر با ۱۸۹۸ میلادی در تهران بدنیا آمد و پس از ۲۷ سال و هشت ماه زندگی در آذرماه ۱۳۰۴ مطابق با ۱۳ نوامبر ۱۹۲۵ در آسایشگاه بزرگ مسلولین (Chamois) «له زن» بمرغس سل از دنیا رفت.

از سن ۶ سالگی بتحصیل پرداخت و ۴ سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول کسب علم و هنر بود و پس از اخذ درجه لیسانس در رشته ادبیات و علوم اجتماعی، ۶ سال و هشت ماه باقیمانده عمر کوتاه را در راه خلق آثار بدیع و ممتاز ادبی گذراند.

در طول حیات ادبی خود که بهترین دوران عمر و «جلوس جوانی» او بود بی‌بسته و بدون تن پروری و احساس خستگی کار کرد و جز «دیدن ندیده‌ها» لذت دیگری در دنیا جستجو نکرد. مسافرت را بی اندازه دوست داشت و از مرخصیهای سالانه و تعطیلات اداری و غیر مترقبه برای دیدن نقاط تاریخی استفاده میکرد، تقریباً تمام اروپا و قسمت اعظم آسیا و آفریقا را سیاحت

کرد. آنچه میدید و حس میکرد همه را در دفتر خاطرات روزانه خود که در تمام دوره زندگی بنویشتن آن مشغول بود بزبان فرانسه مینگاشت و اعتقاد داشت:

«... در دنیا غیر از خوردن و خوابیدن و... چیزهای دیگر هست که باید دید، دریا هست، خشکی هست، گل هست، پرنده هست، شهر هست، ملت هست، زن هست، آثار تاریخی هست، وای بحال مایبچاره‌ها که اسیر شکیم و فقط به «نون دونی» مشغولیم».

در ۲۱ سالگی با سمت آتاشه افتخاری سفارت کبرای ایران در ترکیه (استانبول)، بخدمت دولت پذیرفته شد و تا آخر عمر عضو وزارت خارجه ماند. قبل از ورود بخدمت، دو سال در ترکیه در مدرسه «احمدیه ایرانیان» که بکمک عده‌ای از اشخاص نوع دوست و حمایت آقای خان ملک ساسانی سفیر ایران تاسیس شده بود، و زیر نظر «لاهووتی» شاعر معروف اداره میشد تدریس کرد و در همین ایام بتکمیل مضامعات خود درباره ادبیات عالی ایران همت گماشت.

لاهووتی «حسن» را فوق العاده دوست داشت و برای او احترام فراوانی قائل بود. در پشت کتاب «لالی لاهوتی» که بمقدم تقدیم کرده نوشته است: «برای یادگار تقدیم حضور خداوندگارم آقای حسن مقدم روحی فداه میشود. لاهوتی - سلخ ربیع الاول ۱۳۳۹». لاهوتی حق داشت او را خداوندگار بخواند و باو روحی فداه بگوید زیرا، حسن خدمت بزرگی برای لاهوتی انجام داد، بدین معنی که نه تنها اشعار و آثار او را بفرانسه ترجمه کرد و در جهان نشر داد بلکه با نوشتن چندمقاله پرمغز، لاهوتی را بوج شهرت رساند.

مثلا در «پیام شرق» درباره لاهوتی نوشت: «لاهووتی یکی از بهترین شعرای معاصر ایران است، ضمناً یکی از افسران برجسته و معروف و مشهور از نظر هر نوع عملیات نظامی است. یک ماجراجوی کامل است، مثل اغلب اشخاصی که نقش سیاسی بازی کرده‌اند، گاهی ژاندارم، مدیر دبستان، روزنامه‌نگار، کتابدار، شاگرد آشبز، افسریاغی، و استاد فارسی» و در آخر مقاله (یا بیوگرافی) مینویسد: «بهترین تازگی لاهوتی در این است که او با کمال استادی توانسته در اشعارش کنایات سیاسی را با مضامین معمولی اشعار فارسی مخلوط کند. ما ترجمه یکی از اشعار او را که خلاصه‌ای

از دلالی» است در زیر نقل میکنیم . « (۱) و حسن با کمال استادی و مهارت یکی از غزل‌های لاهوتی را ترجمه کرد و معانی و مفاهیم آن را با ذوق سرشار خود بفرانسه تبدیل نمود و بنظم درآورد .
عنوان غزل اینست :

«نقاب لازم نیست ؟ *Qu'est-il besoin de voile*» و مطلع آن چنین است :

برای روی تو ای مه نقاب لازم نیست
اگر تو جلوه کنی آفتاب لازم نیست
نفوذ عشق نگه کن که شیخ کهنه پرست
نوشته تازه که شرعا حجاب لازم نیست . (۲)

زیبائی و هنریکه در ساختن و پرداختن مضامین این غزل بکار برده ، نمونه‌ای بارز از استعداد و ذوق ادبی اوست و خوندگانی که بزبان فرانسه آشنائی دارند شاهد خوبی بر این مدعا میباشند .

حسن مقدم نه تنها لاهوتی را بلند آوازه ساخت، بلکه ترجمه مقالاتی از قبیل «نبوغ ایرانی» و «نقش زنان در انقلاب ایران»، کاظم زاده ایرانشهر (۳) و احوال و آثار «حیدرعلی کمالی» این دو شخصیت و الامقام را نیز بجامعه علم و ادب جهان معرفی کرد .

(۱) - ترجمه از : «*Messages d'Orient*»

(۲) *Sur ton visage qu'est-il besoin d'un voile qui veille ?*

Si tu brille , ô lumen , qu'est - il besoin de soleil ?

Vois les effets de l'amour , ô mon âme :

Même le vieux cheikhe Conservateur

Vient d'écrire que dans l'islame

Se voiler la face n'est point vertu majeur.

۳- *Le Génie persan. Le rôle de la femme dans la révolution persan, :*

« پیام شرق » (از ۷۵ تا ۸۲) و صفحه (۳۵ تا ۱۴۴) .

حیات ادبی او از هنگامی آغاز گردید که در سوس عضو انجمن ادبی «بل لتر Belles - Lèttres» شد .

در این محفل هنر و ادب با «استراوینسکی» (۱) آهنگساز معروف ، «کوپه» (۲) هنرمند نامدار ، «راموز» (۳) نویسنده شهسوسیس ، «ری ویر» (۴) «اوکتاوموس» (۵) و «اندره ژید» همکاری میکرده و همواره عضو صدیق این انجمن بود .

در ایامیکه «ژرز» و «لیودمیلا» بی تونف (۶) هنرمندان مشهور فرانسوی برای بازی نمایشنامه های معروف «هاملت» ، «مجروم شده ها» و «فدرن تاریکی» بسوی رفته بودند ، هر شب پس از خاتمه نشأت به آپارتمان کوچک مقدم میرفتند و ضمن صرف شام تا پاسی از نیمه شب درباره ادبیات و هنر بحث می کردند (۷) .

عشق بنأت از هنگامی که در «لوزان» (۸) مشغول تحصیل بود ، در او پیدار شد و در مدرسه بارها در بازی نمایشنامه های «حضرت ابراهیم» و «تاریخ سر باز» شرکت کرد . بکوه نوردی ، دوچرخه سواری و رقص های هنری علاقه مند بود و در رشته اخیر چنان متبحر شد که ب مقام «قهرمانی» رسید . هر کات و جنبش های تند و بدیع ابتکاری او زبانزد خمریعام و مورد تقلید هنرمندان روز بود و دختران و زنان هم دوره اش برای جلب توجه او از هیچ اقدام مؤثری فروگذار نمی کردند ، اما حسن هرگز با ذنی زد عشق افلاطونی نیاخت و بهیچ مشوقه ای دل بسته و وفادار نماند . آخرین مشوقه او «مارسل» حاضر بود تا سرحد مرگ با «حسن» باشد ، ولی «مقدم» از آنجا که بیل نداشت میکر بسل آن گل ایتالیائی را نیز بمرده و نابود سازد او را با تمام یافشاری که در ماندن داشت ، از خود در ساخت .

ادبیات و بنأت زندگی حسن بود و آرزوئی جز بیداری و هشپاری ملت ایران نداشت و بانیروی فوق العاده ایکه در این راه مصرف می کرد ، هر روز بیشتر از روز دیگر برای وصول ب هدف می کوشید . سلسله مقالاتی تحت عنوان «مکتوب» (از تهران تا قاهره) از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ در روزنامه ایران منتشر کرد که در آن اوضاع اجتماعی ،

-
- ۱ - Stravinsky - ۲ Copeau - ۳ Ramuz - ۴ Rivière - ۵ Octave Maus - ۶ Georges et Ludmilla PITOËFF - ۷ T. F. Fiechter پیام شرق ۱۹۲۶ - ۸ Collège Classique de Lausanne

سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپایی را حلاجی کرد و با تفسیر و توجیه نکات قابل توجه، مردم را در جریان امور جهان گذاشت. حسن بهر کجا میرفت در پی «مضمون» و دریافتن ریشه‌های خصایص اخلاقی مردم و اجتماع بود.



مارسل ون‌اورا

صد در می‌آئیم که این حرامزاده را در زبان فارسی بگنجانیم. مثلا کلمات ذیل:

سیاره	عوض	اتومبیل
قطار	»	تورن
مصطبه	»	گارد و استاسیون
سکته‌الحدید	»	شمن دوفر
کهر با	«	الکتریسیته
ممثل و مثله	»	آکتور و آکتریس

و غیره از اختراعات خویست که عربها در این موضوع کرده‌اند. اگر ما هم در این مسئله (در خیلی از مسائل) تقلید از مصریها بکنیم، گمان می‌کنم خیلی بهره ور شده و از مضار استعمال کلمات اجنبی مصون بمانیم. ولی از طرف دیگر باید گفت که عربی‌ای که در مصر حرف می‌زند عربی خالص نیست و بسا عربی ادبی خیلی فرق دارد، مخصوصا در تلفظ که صدای بعضی حروف را

عوض کرده و جور دیگر میخوانند، مثلا غالبا (ج) را (ك) و (ض) و (ذ) را (د) میخوانند، عوض عجم (عگم) و عوض رمضان (رمدان) میگویند . . .
 حسن در دوستی و معاشرت سلیقه‌ی خاص داشت و فقط با نویسندگان و دانشمندان دوستی و آمیزش میکرد .

با «اندره ژید» (۱) ، «دوهامل» (۲) ، «مازاریک» (۳) ادبای معروف و «هانری ماسه» (۴) ، «ماسسیون» (۵) و «فرانس توسن» (۶) مستشرقین مشهور مسکات به‌دانشت و مقدمه‌ای در احوال و آثار حکیم نیشابوری برای کتاب: «ترجمه اشعار خیام» فرانس توسن نوشت (۷)

از تظاهر و افتخار فروشی هم‌واره بر حذر بود و روی همین اصل به‌عوض اینکه علاقه‌مندان آثارش امضای مستعار او را میشناختند، اسم خود را عوض می‌کرد و نام تازه‌ای در زیر مقالات و آثار خود میگذاشت . اسامی مستعار او بترتیب عبارتند از : «هوشنگ» ، «حسن» ، «میرزا حسن» ، «میرزا غلامعلی» ، «میرزا حسینعلی» ، «ابوالحسن» ، «علی نوروز» ، «میرزا چندر» ، «م . ح» و «PIERROT MALADE» (دلگک بیمار) .

در اغلب جمعیتها و انجمن‌های بزرگ خاورمیانه از جمله «جمعیت ایران جوان» عضو بود و هنگام اقامت در تهران کنفرانسهایی درباره «دخالت زبان فرانسه در فارسی» در جمعیت ایران جوان ایراد کرد و بالغ بر ده جلسه درباره «تئاتر چیست؟» و «تاریخ تئاتر» در تالار دارالفنون سخنرانی کرد .

در شصتمین سال تولد «رومن رولان» که برای تجلیل مقام علمی و ادبی او در پاریس کنگره‌ای ترتیب داده بودند، از طرف مقدم مضمونی عنوان شد که بعدها مانند اصطلاح «یار و خیلی جعفرخانه» که از نمایشنامه «جعفر خان از فرنگ آمده» ناشی است در محافل ادبی جهان پیچید و شایع شد : «نویسنده و هنرمند بکشوریا قاره‌ی خاص تعلق ندارد و باید گفت . . پس رومن رولان تبعه عالم Citoyen du monde است .»

او مثل ماشین نویسندگی کار میکرد، در سفره غذا علاوه بر سرویس

DUHAMEL - ۲ ANDRÉ GIDE - ۱

HANRI MASSÉ - ۴ MASARYK - ۳

FRANZ TOUSSAIN - ۶ MASSILLON - ۵

۷ - رباعیات خیام چاپ هنر PIAZZA پاریس - دهمین چاپ ۱۹۲۴



Serge Borovsky et l'Opéra de Moscou
Chœur Russe et Etudiants de Lausanne

حسن درباره روس - ۱۹۱۹ - نوسوم از سمت راست - ردیف اول

غذاخوری و خوراک، مداد و کاغذ بود، مستخدمینش در کنار بستر، در راهرو و در هر نقطه ای که احتمال داشت حسن مدتی مجال توقف داشته باشد، وسایل نوشتن می گذاشتند. او حتی هنگام استراحت و رفع خستگی روزانه چیز می نوشت و اغلب شبها را نمی خوابید و اگر خوابش می گرفت، قهوه می خورد تا بیدار بماند و مضمونی بسازد. میتوانم بگویم «مرض نوشتن» داشت و سرانجام همین مرض، او را بسل دچار کرد و بفعالیت او خاتمه داد. او خوشی و لذت، درد و الم زندگی را بخوبی شناخت و در دوره کوتاه عمر بازندگان کاملاً آشنا شد و چهره حقیقی آنرا دید و در مدت ۶ سال و هشت ماه با اندازه یک قرن چیز نوشت.

از حسن مقدم، غیر از مقالاتی که در مجله: سودمند - رستاخیز - ابرانشهر - آرس - فرنگستان و روزنامه ایران درج شده است، یکدوره خاطرات عمر که چند جلد آن در راه طربوزان و ارژ (روم مفقود شد)، سه نمایشنامه بنام: